

ماجرای عشق و عاشقی میدون

من عقب‌نشینی نمی‌کنم



پوریا عالمی

● من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. بابای سوفیا اما عاشقم من نیست و روی مسائل دیگری حساس است. یک بار هم من بلند شدم رفتم خواستگاری. بابای سوفیا گفت به نظر من تو صلاحیت لازم را برای خواستگاری سوفیا نداری. منم گفتم اگر محاسن خود را اضافه کنم چی؟ بابای سوفیا گفت باشه. من هم که دیدم برای تأیید صلاحیت بنده شرطی جز محاسن نیست، سریع حُسن‌هام را اضافه کردم و بر محاسنم افزودم. سپس بابای سوفیا گفت تو الان لیاقتش را داری در خواستگاری شرکت کنی. شما از کجا خواستگار می‌شوی؟ من گفتم از اصفهان. خلاصه سوفیا خیلی دختر خوبی است و همه بهش نظر مثبت دارند. طوری که از شهرهای مختلف اعلام خواستگاری کرده بودند. خلاصه رقابت فشرده‌ای بود و من با چندبار تکرار کردن، نظر سوفیا را جلب کردم. سوفیا که دید من دارم تکرار می‌کنم آمد پای صندوق امانات و گفت من نظرم به میدون است. میدون خواستگار اصلح من است. بابای سوفیا اما می‌داند که از من دل خوشی ندارد و حتی چشم هم ندارد من را ببیند. به همین دلیل تا سوفیا اوکی را داد، بابای سوفیا برید وسط که «هووکی مکه الکیه؟ میدون اصلا صلاحیت ندارد. من با شهرداری صحبت کردم باید عقب‌نشینی کنه». آقا من را می‌گوی؟ تا حالا تو عمرم این‌قدر به سوفیا نزدیک نشده بودم. خلاصه بابای سوفیا زد زیر میز بازی، من داد زدم: «سوفیا... وایسا... من دوباره میام خواستگاریت». تا دیروز که پا شدم رفتم خواستگاری دیدم اصلا این‌دفعه بابای سوفیا من را از دور رقابت‌ها گذاشته کنار. من داد زدم سوفیا... سوفیا... سوفیا داد زد میدون... میدوون... خلاصه من عاشق سوفیا هستم اما سوفیا را باش نمی‌دهد به من. بابای سوفیا گفته باید عقب‌نشینی کنم و از مواضع کوتاه بیایم. من بهش می‌گویم من میدون هستم، خونه قدیمی نیستم که عقب‌نشینی کنم. من میدون اصلی هستم. میدون دوم، بابای سوفیا گفت اون که بیخ شمرن بود و عقب‌نشینی نکرد من روش بل زدم. تو که یک میدون ساده‌ای. می‌دهم دست بچه‌های شهرداری تهران مثل میدون ولیعصر زیرت پاساژ بزنند.

نتیجه‌گیری

صلاح سوفیای خویش بابای سوفیا داند.

# شرق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۲۲ رجب ۱۴۳۷ • ۳۰ آوریل ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۷۱ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۰۱ • اذان صبح فردا ۴:۳۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

روزانه‌ها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



## خدامان کتاب را تنها نگذارید

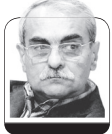
رودرو

نمایشگاه کتاب تهران دارای دو ویژگی اساسی است:

۱. بُعد فرهنگی که نمایش یکجای کتاب‌های منتشرشده در طول سال سپری شده است. درحقیقت بازدیدکنندگان از نمایشگاه، هرساله این پیام را به ناشران حاضر در آن می‌دادند و می‌دهند که نتیجه تلاش‌های یک‌ساله شما را دیده‌ایم.
۲. بُعد تجاری که در بطن خود واقعیتی نهفته دارد. واقعیت این است: نمایشگاه کتاب تهران در واقع امر کارکرد نمایشگاهی صرف ندارد و فروشگاه بزرگی است که هرساله تشکیل می‌شود تا بخشی از نواقص موجود در کار توزیع کتاب و نیز کمبود ویتزین کتاب‌فروشی‌ها را که شرح دلایل آن از حوصله این مختصر خارج است، رفع و جبران کند.

به این دلیل ساده و روشن است که در ۲۹ سال گذشته گروه کنتری از ناشران به‌ویژه آتهایی که صاحب کتاب‌فروشی نیستند، متناسب با حجم کتاب‌هایی که منتشر می‌کنند، تاریخ پرداخت بخش اعظم تعهدات خود را طوری تنظیم می‌کنند که هم‌زمان با نمایشگاه کتاب باشد.

مراجعه‌نکردن علاقه‌مندان به کتاب در سال جاری



حسن کیانیان\*

به نمایشگاه کتاب تهران می‌تواند از منظر هر دو ویژگی فوق دربرگیرنده خُسران زیادی برای ناشران و درنهایت آینده فرهنگ مکتوب کشورمان باشد.

همواره و به‌ویژه در ایامی که با تعطیلات رسمی همراه است، شاهد این هستیم گروه کنتری از هم‌وطنان‌مان به دلیل نیازی که احساس می‌کنند، به سفرهای کوتاه و بلند می‌روند که در برخی موارد این سفرها با مشکلاتی هم همراه است. به‌کرات دیده شده به دلیل ازدحام اتومبیل‌ها در جاده‌ها، پیچیدن مسیریهای دو، سه‌ساعته، تا ۱۲، ۱۰ ساعت طول می‌کشد؛ امری که در تعطیلات نوروزی سال جاری هم به‌کرات اتفاق افتاده است با وجود این، این مشکلات مانع از این نمی‌شود که مردم از سفرهای بعدی چشم‌پوشی کنند چون آن را در خدمت رسیدن به هدف باارزشی می‌دانند.

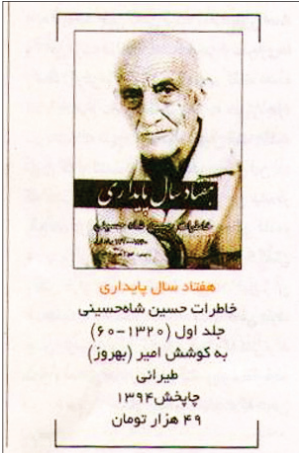
این نگاه را می‌توان به نمایشگاه کتاب امسال تهران و مکان جدید آن هم تعمیم داد. دوستان می‌توانند این رفت و برگشت را یک سفر نصفه‌روزه بدانند؛ سفری که این‌بار هدف از آن سیر و سیاحتی در ولایت کتاب است!

مدیر نشر چشمه و رئیس اسبق هیأت‌مدیره اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران

پیشنهاد

زندگی سیاسی یک‌مرد

«هفتاد سال پایداری» خاطرات حسین شاه‌حسینی به کوشش «امیر(پهروز) طبرانی» در دو جلد از سوی انتشارات چاپخش منتشر شده است. شاه‌حسینی از همراهان مصدق و فعالان ملی‌شدن صنعت ایران، جوان‌ترین دولت‌مرد و فعال سیاسی آن زمان و شاید تنها بازمانده آن نسل است، او در کنار کار سیاسی، در حوزه ورزش هم فعال بود. هم‌زمان در سه رشته والیبال، فوتبال و بسکتبال فعالیت می‌کرد. اواخر دهه ۲۰ عضو تیم ملی راکبی و کاپیتان تیم شد. رژیم که از فعالیت‌های سیاسی او آگاه بود او را از ورود به عرصه میادین ورزشی منع کرد و تا پایان عمر رژیم تنها تماشاگر میادین ورزشی بود. شاه‌حسینی در جریان فعالیت در نهضت مقاومت دو بار بازداشت و زندانی شد. بار اول سال ۳۲ و بار دیگر سال ۳۶. با تشکیل جبهه ملی دوم در سال ۳۹، شاه‌حسینی نیز به آن پیوست و مسئولیت سازمان محلات جبهه ملی ایران و گویندگی حوزه بانوان جبهه ملی را برعهده گرفت. بار دیگر سال ۴۱ در جریان کنگره جبهه ملی در تهرانپارس بازداشت و سال ۴۲ آزاد شد. سال ۵۷ در کمیته استقبال از امام، مسئول تدارکات و مسئول حفاظت بخشی از فرودگاه شد. در دولت بزرگان، رئیس سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک شد. در دولت شهید رجایی باوجود ابراز تمایل به همکاری با او، اما از دولت‌کناره گرفت و سال ۶۰ هم از ریاست کمیته ملی المپیک استعفا داد. اوایل دهه ۷۰ در کنار مهندس سبحانی، معین‌فر و دکتر یزدی جمعیت تلاشگران آزادی انتخابات را پایه‌گذاری کرد. شاه‌حسینی یکی از اعضای هیأت متولیان قلعه احمدآباد است. جلد نخست کتاب خاطرات او حاصل بیش از ۴۰ جلسه گفت‌وگو در قالب تاریخ شفاهی از خاطرات شاه‌حسینی تا سال ۶۰ است که در سال ۸۶ انجام شده و جلد دوم حاصل ۲۰ جلسه گفت‌وگو در سال‌های ۹۲ و ۹۳ است که بیشتر خاطرات شاه‌حسینی از چهره‌ها و فعالان سیاسی زمان خود را دربر می‌گیرد.



روایت

مکالمات سیاسی زیر تیغ!



کریم ارغنده‌پور

فاصله آشکار امروز او با سندرز هم از همین زاویه قابل ارزیابی است. کاری که او‌باما هفته گذشته در تهدید کنگره مبنی بر وتوی مصوبه‌اش علیه عربستان سعودی به دلیل ایفای نقش در حملات ۱۱ سپتامبر داشت، تاسف‌ناور و غیرقابل گذشت است، با همراهی‌اش با قانونی که چند ماه قبل علیه اتباع کشورهای تصویب شد که به ایران سفر می‌کنند، یا نحوه مواجهه ناموجه هم‌اکنون دولتش با متن برجام، اینها اشتباهاتی استراتژیک است ولی چرا رخ می‌دهد؟ چون او سخت تحت این فشار است که جانشینش برای انتخاب‌شدن نیاز به هموارشدن راهی دارد که تصور می‌شود به جز این طریق میسر نیست. به‌همین‌دلیل، او احتمالاً خوب می‌فهمد کار خوبی نیست، ولی ناگزیر از چشم‌بربستن بر آن است. به این ترتیب او ناخواسته یا خواسته با جریان موجی -که خود خواهان تغییرش بود- همراه می‌شود. روشن است این همه البته به معنای آن نیست که او‌باما با رئیس‌جمهور محافظه‌کار قبل از خود تفاوتی نداشته، بلکه سخن در این است که هسته سختی در مرکزیت قدرت وجود دارد که نسبت به هرگونه تغییر اساسی، مقاومت همین دارد در نتیجه در بهترین حالت و به تناسب، فقط امکان تحقق پاره‌ای از تغییرات وجود دارد. با این مقدمه باید گفت سیاست بدون نظرگرفتن سازوکارهای مرسوم کار نمی‌کند. اکنون سؤال این است که آیا این به معنای ناامیدی از هرگونه تغییر است؟ پاسخ البته منفی است. هیچ چیزی در سیاست مطلق نیست. موج تغییرخواهی واقعیتی گریزناپذیر است. مادامی که اراده تغییر نباشد امکانش هم در هیچ اندازه‌ای فراهم نمی‌شود. ولی طبیعی است آنچه در عمل به وقوع می‌پیوندد، نتیجه تقاطع مقاومت‌ها و جدیت در توان و اراده تغییر است. باز به گفت‌وگویم با آن دوست دندان‌پزشک برمی‌گردم. او پرسید اکنون بین ترامپ و هیلاری کلینتون، کدام بهترند؟ من سؤال را این‌طور اصلاح کردم که بین آن دو کدامیک خطر کمتری برای ما دارند؟ هیلاری در جناح راست حزب دموکرات است در نتیجه او نسبت به او‌باما سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری علیه ما دارد و به اسرائیل نزدیک‌تر است. هیلاری نماینده بخش بوروکرات قدرت‌مدار حزب دموکرات است که گرایش راست‌تر دارد و نسبت به تغییرات مقاومت‌تر است. در عین حال ترامپ هم یک تاجر بادشده و خودمحمور و نادان است. خطر ترامپ از این زاویه می‌تواند در پاره‌ای موقعیت‌های خاص، فوق‌العاده بالا باشد. به این ترتیب هر دو اینها کم‌خطر نیستند. چشم‌انداز آینده مناسبات چندان روشن و امیدوارکننده نیست. راه مواجه مناسب با شرایط خارجی سخت‌تر فقط کاهش شکاف‌های داخلی و افزایش همکاری‌های بیشتر است.

اتفاق

رسیدن مترو به شهر آفتاب

تاکسی و مترو هم مشغول به فعالیت شده‌اند اما شاید در این زمینه نیاز به اطلاع‌رسانی بیشتر است چراکه هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند نمایشگاه کتاب از امسال در شهرآفتاب برگزار خواهد شد. از شنبه، کار استقرار ناشران در غرفه‌ها و چیدن قفسه‌های کتاب به شکل جدی شروع می‌شود. تلاش‌ها اما برای راه‌اندازی یک سیستم برق مستقل و تأمین آب آشامیدنی هنوز ادامه دارد. این اولین باری است که قرار است شهرآفتاب دره‌ایش را روی بازدیدکنندگان خود بگشاید و طبعاً مشکلاتی هم در زمینه خدمات‌رسانی وجود خواهد داشت اما چه خوب که این بازگشایی، این‌بار با نمایشگاه کتاب قرار است اتفاق بیفتد.

ایستگاه، ایستگاه مترو شهرآفتاب، چندروز دیگر عملاً آغاز به کار خواهد کرد. موقعیت جغرافیایی شهرآفتاب یکی دیگر از ویژگی‌های انتقال نمایشگاه کتاب به این مکان است اما از آنجایی که مخاطبان این نمایشگاه به دو گروه شهرستانی و تهرانی تقسیم می‌شوند، به نظر می‌رسد که این‌بار، کفه ترازو به سمت شهرستانی‌ها سنگین‌تر است چراکه از این پس، آنها برای بازدید از نمایشگاه کتاب، وارد ترافیک پیچیده تهران نخواهند شد و مستقیم از اتوبان‌های آزادگان، خلیج‌فارس و... به نمایشگاه می‌رسند. در مورد تهرانی‌ها هم، علاوه بر راه‌اندازی ۱۲ هزار پارکینگ- رقمی که در نوع خود یک رکورد به حساب می‌آید- خطوط

شرق؛ تا نمایشگاه کتاب چندروزی بیشتر باقی‌مانده و کارگران به‌شدت مشغول کار هستند تا جایی که این روزها، فضای شهر آفتاب، پر است از داربست‌های افراشته و کارگرانی که در سه شیفت کاری، عرق می‌ریزند و بنای یکی از مهم‌ترین نمایشگاه‌های بین‌المللی در ایران را بی‌ریزی می‌کنند. این تلاش‌ها فقط در روی زمین اتفاق نمی‌افتد؛ زیر پوست شهرآفتاب هم آخرین تلاش‌ها برای راه‌اندازی ایستگاه نمایشگاه در کار است. قرار است هم‌زمان با افتتاح نمایشگاه کتاب، خط یک مترو در ایستگاه شاهد، شاهد یک خط فرعی به سمت ایستگاه‌هایی چون شهرآفتاب، پرند و فرودگاه بین‌المللی امام‌خمینی باشد که از میان این سه

# SAMSUNG

## VIP SERVICE PACKAGE

### بسته پشتیبانی ویژه

### پشتیبانی ویژه صفحه نمایشگر

در صورت شکستن صفحه نمایشگر تلفن همراه سامسونگ مدل های Galaxy S7 و S7 edge فقط با پرداخت مبلغ ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال (هزینه تعویض)، صفحه نمایشگر تعویض می گردد. مشروط به خرید و فعال سازی در فصل بهار ۱۳۹۵

### سرویس اکسپرس

این سرویس شامل دریافت تلفن همراه معیوب از محل مشتری، تعمیر دستگاه و تحویل سریع آن به میزبان اولیه در طول سال ۱۳۹۵ می باشد. کلیه خریداران مدل های Galaxy S7 و S7 edge که در شهرهای تهران، مشهد و اصفهان سکونت دارند مشمول این سرویس اکسپرس می باشند.

### ویژه خریداران مدل های زیر در سال ۱۳۹۵

# Galaxy S7 edge | S7

مرکز تماس موبایل

## ۰۲۱ ۳۳۱۴۳۱۴